

توسعه پایدار

به مثابه رشد بخش خصوصی

شود و همچنین با اطلاع رسانی و توضیح کافی در مورد این فعالیت‌ها با استفاده از تمامی امکانات فرهنگی و هنری، بطور مستمر از طریق رسانه‌های جمعی، در نیروی جوان انگیزه و امید ایجاد گردد تا از فرار مغزها که متأسفانه در سالهای اخیر روند رو به رشد داشته‌اند، حتی الامکان جلوگیری بعمل آید. از طرفی بایستی تمهیداتی بکار برده شوند تا از خروج مقدار قابل توجهی از سرمایه‌های ارزی کشور توسط شرکت‌های بزرگ بین‌المللی حتی المقدور ممانعت بعمل آید. دو عامل مهم در اثربخشی سرمایه‌گذاری، از طریق اجرای پروژه‌های زیربنایی و عمرانی عبارتند از: کیفیت مطلوب در اجرا و رعایت برنامه زمانبندی پیش‌بینی شده. تحقق این دو عامل نیز در گرو رعایت پاره‌ای نکات چون تأمین و تربیت منابع انسانی در همه سطوح اعم از کارشناس و کارگر، تأمین اعتبارات و منابع مالی با بهره مناسب و تأمین ماشین‌آلات و قطعات یدکی مربوطه و سرویس‌های پس از فروش است.

در این فرصت کوتاه ابتدا اشاره مختصری به دو نکته اول می‌شود سپس به اختصار عامل سوم را که محور این مقاله است، خواهیم پرداخت.

عامل اصلی کلیه پیشرفت‌های متصور در هر زمینه، نیروی انسانی است و همانطور که گفته شد کشور ما خوشبختانه از نظر نیروهای جوان و مستعد بسیار غنی است. نمونه آن هم تعداد قابل توجهی از جوانان تحصیل کرده ایرانی هستند که در کشورهای پیشرفته غربی بخصوص آمریکا و کانادا، در پست‌های مهم و حساسی حضور دارند. لیکن متأسفانه ما از نیروی انسانی هنوز نتوانسته‌ایم بطور شایسته استفاده نماییم. در حال حاضر یکی از مشکلاتی که پیمانکاران با آن مواجه هستند، کمبود تکنسین فنی مجرب در زمینه‌های مختلف است بطوریکه همواره بین کارگران و مهندسين خلاء پرسنل فنی وجود دارد. در ارتباط با استفاده مؤثرتر از نیروهای جوان و مستعد در طرح‌های توسعه، پیشنهاد می‌شود رشته‌های مرتبط با اجرای پروژه‌های زیربنایی و عمرانی در دانشگاه‌ها توسعه یابند و هر چه بیشتر مهارت عملی دانشجویان در واحدهای درسی آنان گنجانده شود. همچنین در مؤسسات تکنولوژی و آموزش‌شده‌های فنی و حرفه‌ای هر چه بیشتر مهارت‌های عملی در رشته‌های سیویل (عمران)، مکانیک، برق و ابزار دقیق

و واحدهای پتروشیمی و دیگر صنایع و کارخانجات تولیدی می‌باشند که مهمترین اهداف سرمایه‌گذاری در کشور خواهند بود. با بررسی اجمالی جغرافیای اقتصادی کشور مشخص می‌گردد که تنها در حدود ۲۰ درصد از اراضی و قابلیت‌های اقتصادی مملکت مورد بهره‌برداری قرار گرفته است و باید در مورد احیای قسمت اعظم آن برنامه ریزی و اقدامات اساسی بعمل آید.

خوشبختانه جمهوری اسلامی ایران در طول ۲۵ سال گذشته به تدریج نتوانسته است موقعیت مناسبی برای سرمایه‌گذاری خارجی کسب نماید. بطوریکه علیرغم تشنجات اخیر در منطقه، نهادهای سرمایه‌داری بین‌المللی از سرمایه‌گذاری در پروژه‌های زیربنایی و عمرانی ایران استقبال می‌کنند. حتی اخیراً سرمایه‌داران امریکایی نیز با وجود تحریم‌های دولت آمریکا، برای حضور در ایران تلاش می‌نمایند. چشم‌اندازی که دولت در بخش‌های مختلف ارائه نموده، حاکی از این است که در ۱۰ سال آینده در بخش نفت و گاز و پتروشیمی مبلغ ۱۱۰ میلیارد دلار و در سایر بخش‌های زیربنایی و عمرانی و صنعتی هم بالغ بر ۷۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری صورت خواهد گرفت.

در اجرای همزمان این حجم از کار، با توجه به ظرفیت‌های فعلی اجرایی کشور، باید تمهیداتی بکار برده شود تا رشد اشتغال داخلی و تربیت نیروهای جوان مملکت مورد توجه خاص قرار گیرد و با به‌کارگیری نیروی عظیم جوان، از آنان در طرح‌های توسعه استفاده بهینه

توسعه بخش خصوصی محور اصلی توسعه پایدار در هر اقتصاد است. بر همین اساس در کشورهای صنعتی زمینه برای تحقق اهدافی که در عرصه اقتصاد ملی پیگیری می‌شود از طریق ایجاد بسترهای لازم در میان فعالان اقتصادی بخش خصوصی، فراهم می‌شود. جمهوری اسلامی ایران نیز که تبدیل شدن به اولین قدرت اقتصادی منطقه خاورمیانه را در چشم‌انداز ۲۰ ساله خود پیش‌بینی کرده است، از این قاعده مستثنی نیست.

آقای مهندس نادر عطایی؛ مدیر عامل شرکت جهانبارس، به‌عنوان یکی از مدیران تأثیرگذار بخش خصوصی دیدگاه‌های خود را در خصوص سازوکارهای فرآوری دولت برای کمک به رفع مشکلات پیمانکاران داخلی پرداخته است که اهم آن‌ها از پورتال www.sheshnim.com دریافت و از نظر تان می‌گذرد.

کشور ما به‌عنوان یک کشور در حال توسعه لازم است راه سختی را با تلاش بی‌وقفه طی کند تا بتواند عقب‌ماندگی‌های خود از کشورهای صنعتی را به میزان قابل قبولی تقلیل دهد.

برنامه ریزی‌های اقتصادی کشور با هر مدل سیاسی و اقتصادی که بخواهد اجرا شود، قطعاً یکی از محورهای عمده آن سرمایه‌گذاری در پروژه‌های زیربنایی خواهد بود.

طرح‌های زیربنایی مانند: راه، راه آهن، فرودگاه، بندر، اسکله، نیروگاه، سد، احیاء اراضی، دامپروری، معادن، صنایع مرتبط با استخراج و صدور نفت و تأسیس و توسعه پالایشگاه‌های نفت و گاز



به هنجاریان آموزش داده شود. ضمن اینکه شرکتهای پیمانکاری با همکاری شرکت ملی نفت ایران و سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای وزارت کار، نسبت به ایجاد مراکز آموزش مهارتهای فنی در شروع عملیات اجرایی هر پروژه، در محل کارگاه پروژه‌ها اقدام نمایند. در ضمن با توجه به اهمیت روزافزون حفظ ایمنی و بهداشت محیط (HSE) و همچنین کنترل و تضمین کیفیت (QC/QA) در اجرای پروژه‌ها، دانشگاه‌های کشور تدریس این رشته‌ها را می‌بایستی هر چه بیشتر در دستور کار خود قرار دهند.

موضوع تأمین اعتبارات و منابع مالی هم بحث گسترده‌ای است که در این مجال فرصت پرداختن به جزئیات آن نیست. یکی از عواملی که باعث می‌گردد پروژه‌های بزرگ به شرکت‌های خارجی واگذار شوند، ناشی از عدم فعالیت مؤثر سیستم بانکی و اعتباری کشور است. اگر نظام بانکی ما از شرکت‌های پیمانکاری بزرگ داخلی پشتیبانی کند، دیگر شرکتهای بین‌المللی نخواهند توانست همه پروژه‌های بزرگ را به خود اختصاص دهند. در این زمینه پیشنهاد می‌شود: سیستم بانکی خود را سرمایه‌گذار در کنار پیمانکاران داخلی وارد عرصه مناقصات پروژه‌های اساسی کشور نماید. همچنین سیستم بانکی نسبت به تقویت سرمایه در گردش (Cash Flow) پیمانکاران داخلی با نرخ سودی معادل بهره بانکیهای خارجی و نیز تسهیل در ارائه ضمانتنامه‌های کلان با نرخ ارز ان اقدام نماید. در عین حال با توجه به اینکه شرکت‌های خارجی ضمانت‌نامه‌های بانک‌های ایرانی را نمی‌پذیرند و ضمانت متقابل (Counter Guarantee) یک بانک خارجی را مطالبه می‌کنند که این

امر در صد قابل توجهی هزینه در بر دارد، پیشنهاد می‌شود این مشکل در زمان انعقاد قرارداد دولت با شرکت‌های خارجی حل شود.

در کنار دو موضوع فوق، در بخش اجرای طرح‌ها لازم است به نقش ماشین‌آلات نیز اشاره شود. اساساً امروزه بدلیل تأکید روی سرعت اجرای پروژه‌ها، به کارآیی ماشین‌آلات و تجهیزات توجه بیشتری می‌شود و نقش ماشین‌آلات در اجرای پروژه‌ها حساسیت ویژه‌ای پیدا کرده است.

با بررسی مستمر اطلاعات سندیکاهای ساختمانی کشورهای مختلف، می‌توان دید که آمریکایی‌ها در زمینه برنامه‌ریزی و اجرا، از

بقیه کشورها بسیار موفق تر هستند. شرکت‌های آمریکایی یکی از عوامل اصلی قدرت و اعتبار خود را مدیون استفاده از بهترین ماشین‌آلات می‌دانند. آنها با استفاده از تسهیلات مالی ارزان، معمولاً در ابتدای هر پروژه، کل ماشین‌آلات مورد نیاز پروژه را بصورت یکجا از مرغوب‌ترین مارک خریداری و به کارگاه حمل می‌نمایند. همچنین کلیه لوازم مصرفی و یدکی این ماشین‌آلات را برای تمام دوره کار، خریداری نموده و در انبار کارگاه حفظ می‌کنند و معمولاً نیز پس از اجرای یک پروژه، یا آنها را یکجا می‌فروشند و یا بطور اساسی، بازسازی تضمینی می‌نمایند. این روش را پیمانکاران کشورهای جنوب خلیج فارس خصوصاً در امارات متحده عربی نیز بکار می‌برند. از مسائلی که پس از انقلاب و جنگ در کشور با آن مواجه شدیم، خروج نمایندگی‌های معتبر شرکتهای سازنده ماشین‌آلات با مارک مرغوب از کشور است. به همین دلیل، پیمانکاران داخلی مجبور بوده‌اند برای تأمین ماشین‌آلات یا از انواع نامرغوب استفاده نمایند و یا با چند دست واسطه و با هزینه گزاف نسبت به خرید ماشین‌آلات نه چندان مرغوب و قطعات یدکی آنها اقدام کنند که باعث ضرر و زیان فاحش و تأخیر در اجرای طرح‌ها شده است. بدیهی است این موضوع در خصوص خدمات پس از فروش و تعمیرات اساسی نیز صادق بوده است. پیمانکاران خارجی که در کشور مابکار مشغول می‌باشند، از طریق تسهیلات گمرکی نسبت به ورود موقت ماشین‌آلات اقدام می‌کنند و پس از اتمام طرح، با عدم پرداخت هزینه گمرکی و انتقال ماشین‌آلات به مبداء ورودی، هزینه‌های گزاف گمرکی به آنان تعلق نمی‌گیرد.

برای رفع مشکلات مرتبط با ماشین‌آلات ساختمانی، دولت با ارائه تسهیلات، می‌تواند تجار واقعی و متعهد را تشویق نماید تا نسبت به ایجاد نمایندگی‌های معتبر سازنده ماشین‌آلات مرغوب، اقدام نمایند تا پیمانکاران داخلی ضمن امکان استفاده از ماشین‌آلات مناسب از مزایای گارانتی و سرویسهای مطلوب و منظم بهره‌مند گردند. ضمناً با توجه به اینکه دوران سازندگی بسیار طولانی است، به نفع توسعه پایدار خواهد بود که این ماشین‌آلات در مرحله اول در کشور مونتاژ شده و سپس به طور کامل تولید گردند. همچنین برای ورود این قبیل ماشین

آلات، تعرفه‌های گمرکی را حذف و یا تقلیل دهند. ضمن اینکه در نظام بانکی، مشابه تسهیلات تکلیفی دیگر، برای خرید ماشین‌آلات مورد نیاز پروژه‌ها نیز، تسهیلات تکلیفی ارزان قیمت قابل پیش‌بینی است. نهادهای مالی نیز، طرح فروش اقساطی (Leasing) مانند آنچه در صنعت خودرو وجود دارد را جهت ایجاد امکان خرید قسطی ماشین‌آلات ساختمانی، با نرخ مناسب به اجرا بگذارند.

در ارتباط با مسائل مطرح شده، فرازهایی از نظریات دکتر ماهاتیر محمد، نخست‌وزیر سابق و اقتصاددان ارزشمند آسیای جنوب شرقی که از کتاب وی در زمینه جهانی سازی نقل می‌گردد بدین شرح است.

«در فضای جهانی سازی لازم است اقتدار ملی و داخلی هر یک از کشورهای در حال توسعه در داخل و توسط نمایندگان حقیقی مردم آن کشور تبیین شود، نه به وسیله شرکتهای بزرگ و سودجوی بین‌المللی و دولتهای خارجی.»

«بی‌شک هدف از جهانی سازی، استیلای همه جانبه بر مقررات و فعالیت‌های سیاسی و در نهایت تسلط بر بخش‌های اقتصادی کشورهای در حال توسعه است. بی‌تردید می‌توان چنین ادعا کرد که به واسطه رواج مفهوم جهانی سازی، قدرت از دست رفته شرکت‌های وابسته به کشورهای توسعه یافته که در جریان سقوط استعمار و استقلال ملل جهان تضعیف شده بود، به آنها بازگردانده خواهد شد. حال اجرای سیاست جهانی سازی فرصت‌های از دست رفته را برای کشورهای توسعه یافته جبران و ثروت کشورهای در حال توسعه را نصیب آنها خواهد کرد.»

«کشورهای در حال توسعه باید به عواملی مانند روش و حدود تعامل با بازارهای بین‌المللی، زمان مناسب و اولویت‌ها، نحوه همکاری و رقابت بین شرکت‌های ملی و بین‌المللی، توجه کافی داشته باشند.» در خاتمه اضافه می‌نماید چنانکه کمیته‌های متشکل از مدیران دولتی و بخش خصوصی تشکیل شود و در نمای سرمایه‌گذاری ده ساله ۱۸۰ میلیارد دلاری و کلیه عوامل مؤثر در آن را بررسی نمایند و توصیه‌های لازم را به مسئولین ارائه دهند، نتایج حاصله بسیار مفید خواهد بود.



رتال جامع علوم انسانی